

دوفصلنامه علمی - پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال چهارم، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

نقش استعاره در برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی در روزنامه‌های داخلی

ابراهیم ر ضاپور^۱
فردوس آقاگل زاده^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۸

تاریخ تصویب: ۹۰/۹/۶

چکیده

تحلیل انتقادی استعاره، روی‌کردی است که جنبه‌های مختلف تحلیل انتقادی گفتمان، تحلیل پیکره‌ای، کاربردشناسی و زبان‌شناسی شناختی را در یک مجموعه گرد می‌آورد. کارکردهای اصلی استعاره در گفتمان، عبارت‌اند از برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی‌ها، و بازنمایی و بازتولید ایدئولوژی در رسانه‌ها. در پژوهش حاضر، این کارکردها را در روزنامه‌های داخلی، بررسی کرده‌ایم؛ بدین شرح که نخست، روی‌کردهای مختلف را درباره تحلیل انتقادی استعاره، معرفی کرده‌ایم و سپس نمونه‌هایی از استعاره‌های گفتمانی استخراج‌شده از روزنامه‌های رسالت، کیهان، ایران، مردم‌سالاری و آفتاب یزد را براساس روی‌کردهای تحلیل گفتمان انتقادی وندایک و استعاره گفتمانی کامرون، تجزیه و تحلیل کرده‌ایم. یافته‌های تحقیق، حاکی از آن است که نقش‌های اصلی استعاره در گفتمان رسانه‌ای،

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه سمنان rezapour83@gmail.com

۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

بازنمایی و بازتولید ایدئولوژی و همچنین برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی‌هاست و نمونه‌های برگرفته از روزنامه‌های یادشده نیز فرضیه‌های تحقیق را تأیید می‌کنند؛ علاوه بر آن، تحلیل داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که راه‌بردهای ایدئولوژیک استعاره نظام‌مند در گفتمان بدین شرح‌اند: قطبی‌سازی، برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها و نقاط ضعف غیرخودی‌ها، توصیف کنشگر، غیریت‌سازی، مثال و تشریح، گواه‌نمایی، خودبزرگ‌منشی ملی، اجماع، تکرار، تلویحات، تشریح و واژگان‌گرایی.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، استعاره گفتمانی، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، زبان و ایدئولوژی، راه‌بردهای ایدئولوژیک.

۱. مقدمه

تحلیل انتقادی استعاره، روی‌کردی است که جنبه‌های مختلف تحلیل انتقادی گفتمان، تحلیل پیکره‌ای، کاربردشناسی و زبان‌شناسی شناختی را در یک مجموعه گرد می‌آورد. چارتریس-بلک^۱ تحلیل زبانی را از علوم اجتماعی دیگری همچون سیاست، جامعه‌شناسی، مطالعات رسانه‌ای و تاریخ، جدا ندانسته و این روی‌کرد، تبیین استعاره را در گفتمان، براساس تحلیل زبانی، شناختی و اجتماعی، بررسی کرده است. تاکنون در ایران، تحقیق‌های زیادی در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی انجام شده است که بیشتر، به بحث‌های نظری و تحلیلی درباره گفتمان انتقادی پرداخته‌اند و از جمله آنهاست: برجسته‌سازی گفتمانی در گفتمان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی (سلطانی، ۱۳۸۷)، تحلیل گفتمان انتقادی (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵) و ارتباطات ازمنظر گفتمان‌شناسی انتقادی (یارمحمدی، ۱۳۸۵). در خارج از کشور نیز افراد زیادی درباره تحلیل گفتمان، تحقیق کرده‌اند؛

مانند: کرس وهاج (۱۹۸۸)، وداک^۱ (۲۰۰۱)، فرکلایف^۲ (۱۹۹۵)، وندایک^۳ (۱۹۹۸)، فاولر (۱۹۹۶) و گی^۴ (۱۹۹۹). به سبب محدودیت حجم مقاله و اهمیت بیشتر تحلیل داده‌ها، از توضیح بیشتر درباره این پژوهش‌ها صرف نظر کرده‌ایم.

تحقیق‌های انجام شده درباره استعاره در ایران، این مقوله را تنها از نگاه شناختی بررسی کرده‌اند و درحوزه بررسی استعاره از نگاه انتقادی، در ایران، پژوهشی انجام نشده است؛ اما تحقیق‌های خارج از کشور در زمینه کارکردهای استعاره، زیاد است. ریکور^۵ (۱۹۸۷: ۸۰) معتقد است استعاره دو بخش مفقودشده متفاوت از بافت‌های مختلف را در معنای ساده، کنار هم قرار می‌دهد؛ بنابراین، در این حوزه، با انتقال ساده واژه‌ها سروکار نداریم؛ بلکه تعامل بین اندیشه‌ها و بافت‌ها مورد نظر است (چارتریس-بلک، ۲۰۰۴: ۵). استعاره هم در گسترش چهارچوب مفهومی برای بازنمایی عقیده‌های جدید و هم در فراهم آوردن واژه‌های جدید برای پرکردن خلأ واژگانی، مؤثر و فعال است و نقش آن را می‌توان هم معنایی برای تغییر نظام مفهومی و هم سبکی برای انتقال ارزیابی قدرت دانست. لوینسون^۶ (۱۹۸۳: ۱۵۶) معتقد است روی کرد کاربردشناسی براساس این فرض عمل می‌کند که محتوای استعاری گفته‌ها از طریق اصول تفسیر و تعبیر معنایی، دست‌یافتنی نیست؛ بلکه دانش معناشناسی، توصیف معنای لفظی یا محتوای قراردادی عبارت‌ها را فراهم می‌کند و کاربردشناسی از طریق معنا و بافت، تفسیر استعاری انجام می‌دهد. کاربرد استعاره از منظر شناختی، واکنشی ناآگاهانه است؛ در حالی که از منظر کاربردشناسی، کاربران زبان از استعاره برای ترغیب و استدلال از طریق ترکیب منابع شناختی و زبانی استفاده می‌کنند. کامرون و لو^۷ (۱۹۹۹b: ۸۶) معتقدند استعاره نه تنها گزاره‌ای را از گفتمان مستقیم، پنهان می‌کند؛ بلکه مزیتی بدین شرح دارد که گوینده هیچ مسئولیتی در برابر پیام ندارد و پیام منتقل شده را نمی‌توان به صورت آشکار، بررسی کرد. اساس تحلیل گفتمان انتقادی، آن است که استعاره، یکی از راه‌های آشکار کردن انگیزه‌های

-
1. Wodak
 2. Fairclough
 3. Van Dijk
 4. Gee
 5. Ricoeur
 6. Levinson
 7. Cameron and Low

ایدئولوژیک و سیاسی پنهان در گفتمان است. استابز^۱ (۲۰۰۱: ۱۴۹) دربارهٔ این مسئله گفته است جهان را به روش‌های مختلف می‌توان بازنمایی کرد و از میان آنها، روش‌های خاص بحث دربارهٔ رخدادها و مردم، غالب است. عقاید نه از طریق فرایند عرفانی، بلکه از طریق فرایند مادی، به گردش درمی‌آید. برخی عقاید به صورت مکرر فرموله می‌شوند؛ به طوری که با وجود قراردادی بودن، به صورت طبیعی جلوه می‌کنند. تحلیل گفتمان انتقادی، شامل تحلیل ایدئولوژیک محتوای متنی ضمنی است و از منظر انتقادی، متن‌ها خنثی نیستند؛ زیرا فرایندهای اجتماعی در رمزگذاری زبانی، پنهان و غیرشفاف هستند. استعاره یکی از این انتخاب‌های زبانی آگاهانه است که فرایندهای اجتماعی زیرساختی را پنهان می‌کند و تحلیل آن، به توصیف محتوای متنی ضمنی کمک می‌کند. استعارهٔ گفتمانی، هم‌پوشی‌های استعاری باثباتی است که به‌عنوان ابزار قالب‌بندی اصلی در گفتمان خاص در یک زمان مشخص عمل می‌کند. مفاهیم مبدأ استعاره‌های گفتمانی، به‌لحاظ پدیدارشناسی^۲، به موضوع‌های واقعی و یا افسانه‌ای می‌پردازند که بخشی از فضای تعاملی را تشکیل می‌دهند و فضایی مهم در تصورها و تخیل‌های فرهنگی، به خود اختصاص می‌دهند. استعاره‌های گفتمانی در طول زمان و در گفتمان‌ها، تغییر می‌کنند. تعصب‌های ایدئولوژیک، تقید به بافت و فازی بودن در مطالعهٔ استعاره‌های گفتمان، مسائلی مهم هستند که تاکنون در ادبیات زبان‌شناختی، مورد توجه قرار نگرفته‌اند. استعاره‌های گفتمانی، دانش فرهنگی را منتقل می‌کنند؛ بنابراین، دانشمندان و سیاست‌مداران به‌لحاظ فرهنگی و تاریخی باید برای قالب‌بندی اکتشاف‌های علمی و یا سیاسی، از استعاره‌های تثبیت‌شده و دردست‌رس، استفاده کنند. استعاره‌ها در ساخت واقعیت اجتماعی و سیاسی، نقش اساسی دارند (آناس^۳، ۱۹۹۵: ۷۴۴؛ لیکاف و جانسون^۴، ۱۹۸۰: ۱۵۶). استعاره‌های گفتمانی، تاریخچهٔ اجتماعی و فرهنگی دارند و بر آیندهٔ فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ها اثر می‌گذارند. استعاره‌های اولیه و اصلی، دارای مقوله‌های زبانی، فرهنگی و هستی‌شناختی و نیز ایدئولوژی‌هایی هستند که مقوله‌های جدید را طلب می‌کنند؛ اما استعاره‌های قراردادی، شیوه‌های

-
1. Stubbs
 2. Phenomenology
 3. Fuzzy
 4. Annas
 5. Lakoff and Johnson

درک و یا کنش را تغییر نمی دهند؛ زیرا به مثابه روشی پذیرفته شده برای ساخت، مفهوم سازی و تعامل با واقعیت رایج هستند. نزاع ایدئولوژیک یا هژمونیک برای در نظر گرفتن استعاره به مثابه قرارداد صورت می گیرد (فرکلاف، ۲۰۰۳: ۴۵)؛ مثلاً این اندیشه که رشد اقتصادی، مثل سرطان مضر است، در فضای سرمایه داری، کج روی ایدئولوژیک محسوب می شود. میزان تأثیر استعاری، در جهت مخالف میزان تأثیرهای ایدئولوژیک، صورت می گیرد؛ زیرا ایدئولوژی با زبان لفظی و استعاره های قراردادی، پنهان می ماند و استعاره اصلی به لحاظ استعاری، قدرتمند است؛ اما به لحاظ ایدئولوژیک، قدرتی ندارد. در مقابل، استعاره های غیرفعال و مرده (استعاره های قراردادی و لفظی) به لحاظ استعاری، ضعیف هستند؛ اما به لحاظ ایدئولوژیک، از طریق فعالیت های پنهانی، بسیار قدرتمندند و لیکاف (۱۹۹۵) آنها را قراردادی نامیده است؛ زیرا مفهومی و عمیق هستند؛ یعنی به میزان زیادی، بدون جلب توجه به کار می روند. این دسته از استعاره ها دارای پیامدهای اجتماعی زیادی هستند؛ بنابراین، تقابل آنها با دسته اولیه و اصلی، مهم است. از آن سوی، استعاره های اصلی، دارای اهمیت کمتر و حاشیه ای هستند. در اینجا، بحث اصلی آن است که استعاره های قراردادی، ایدئولوژی ها را می سازند و بازتولید می کنند و رفتارهایی معین را نیز بازتولید می کنند (گیرتس^۱، ۱۹۷۳: ۲۰۹ تا ۲۱۳؛ فرکلاف، ۱۹۸۹؛ گیبس^۲، ۱۹۹۹؛ می^۳، ۲۰۰۶). استعاره های آگاهانه را می توان برای ساخت واقعیت به کار برد. دیگر کاربرد عبارت استعاری، این است که گویندگان می توانند پشت زبان استعاری، پنهان شوند و بدین صورت، مسئولیتی در قبال پیام نداشته باشند (کامرون و لو، ۱۹۹۹: ۸۶). کرس (۱۹۸۹: ۷۰) استعاره را عاملی نیرومند در نزاع ایدئولوژیک و ابزاری برای آماده کردن فضا برای یک حوزه ایدئولوژیک دانسته است. فعالیت استعاری در نزاع برسر قدرت و اختلاف ها اتفاق می افتد؛ وقتی برای همگونی یک رخداد، تنها در یک نظام ایدئولوژیک، تلاش می شود. این مسئله نشان می دهد که هر عبارت استعاری شکل دهنده استعاره مرکب، به تنهایی نشانه گفتمان مرکب است. کرس معتقد است استعاره، کاربردی گسترده دارد و عنصری اساسی در فعالیت های شناختی و زبانی است (کرس، ۱۹۸۹: ۷۲). قدرت از طریق طبیعی سازی ایدئولوژی،

1. Geertz
2. Gibbs
3. Mey

حفظ می‌شود و استعاره‌ها بیشتر از پاره‌گفتارها، اعتقادات ما را تعیین می‌کنند (رورتی^۱، ۱۹۷۹: ۱۲). استعاره به‌ویژه در بافت شناخت اجتماعی، برجسته است. عبارتهای استعاری به‌عنوان نمونه‌هایی از استعاره‌های زیرساختی مفهومی برای مطالعه، و تعیین تکلیف شناختی و ایدئولوژیک گفتمان، ضروری هستند و استعاره‌های مفهومی، ساخت شناختی روابط اجتماعی را تبیین می‌کنند. کارکرد برجسته‌سازی و پنهان‌سازی استعاره، گزینه‌های ایدئولوژیک موجود در فرایند ترکیب را از طریق استعاره‌های مرکب، ردیابی می‌کند؛ بنابراین، استعاره نه‌تنها تعامل بین ساخت شناختی زیربنایی گفتمان و ایدئولوژی است؛ بلکه سطح روساختی گفتمان و تجلی آن را در متن، به هم مرتبط می‌کند. متون در سطح خرد، به‌لحاظ زبانی و نشانه‌شناختی، از طریق عبارتهای استعاری حاصل از استعاره‌های غالب و برجسته، ساخته می‌شوند. ایدئولوژی از منظر اجتماعی - شناختی، عبارت است از تعامل بین بازنمایی‌های شناختی و فرایندهای زیرساختی گفتمان و کنش از یک طرف، و جایگاه جامعه‌شناختی و علایق گروه‌های اجتماعی از طرف دیگر (وندایک^۲، ۱۹۹۵: ۱۸). در این بافت، استعاره می‌تواند از طریق آن گروه‌های اجتماعی، الگوهای مفهومی موجود در گفتمان را به‌لحاظ ایدئولوژیک، منتقل و تقویت کند. وجود استعاره برای انجام چنین کاری، بسیار ضروری است؛ زیرا واقعیت را می‌سازد؛ بنابراین، استعاره، دیدگاه‌های گوناگون درباره‌ی جهان را منتقل می‌کند و واقعیت‌ها، به‌ویژه واقعیت‌های اجتماعی را می‌آفریند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۱۵۶). کاربرد استعاره، تحت تأثیر گروه اجتماعی و جامعه قرار دارد. از منظر هولسه، استعاره‌ها به‌مثابه پدیده‌های اجتماعی گفتمان‌ها و نه انعکاس فرایندهای شناختی، مفهوم‌سازی می‌شوند. در این نظریه، همسو با نظریه گفتمان، توانایی‌ها و امکانات کنشگران^۳ کاهش می‌یابد و گفتمان به‌تنهایی، جواز کاربرد استعاره را صادر می‌کند؛ علاوه بر آن، گفتمان‌های خاص، کاربرد استعاره‌هایی خاص را ایجاب می‌کنند و بدین ترتیب، استفاده از استعاره‌هایی معین را فراتر از نگاه فردی، تبیین می‌کنند (والتر^۴، ۲۰۰۵: ۱۱). استعاره‌ها به‌لحاظ ایدئولوژیک، خنثی نیستند؛ برخی

1. Rorty
2. Van Dijk
3. Actors
4. Walter

جنبه‌های حوزه مقصد را برجسته و برخی جنبه‌های دیگر را پنهان می‌کنند. وقتی کاربردهای خاص استعاره، روش غالب در بحث درباره جنبه‌ای خاص از واقعیت در گفتمان خاص باشد، درک این استعاره‌ها مشکل می‌شود؛ زیرا آنها نگاه طبیعی و مشترک به موضوعات گوناگون را بازنمایی می‌کنند. در چنین مواردی، استعاره‌های مفهومی قراردادی، بخشی مهم از مجموعه‌های مشترک باورها یا ایدئولوژی محسوب می‌شوند که گروه اجتماعی خاصی را به تصویر می‌کشند. ایدئولوژی، اعم از انواع خنثی و غیرخنثی به لحاظ مفهومی، نظامی از باورها و ارزش‌هاست برپایه مجموعه‌ای از الگوهای شناخت؛ مانند بازنمایی‌های ذهنی زبانی و غیرزبانی از پدیده‌های رایج و تفسیرهای آنها در فرهنگ و جامعه (دیرون و دیگران، ۲۰۰۳: ۱ و ۲).

۲. روش‌شناسی و مبانی نظری

روی کرد به کاررفته در این تحقیق، آمیزه‌ای از روی کردهای تحلیل گفتمان انتقادی و ندایک، شناختی لیکاف و کاربردشناخت استعاره گفتمانی کامرون است. درباره فرضیه اصلی این پژوهش، یعنی برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی می‌توان گفت که یکی از راه‌بردهای ایدئولوژیک و ندایک، برجسته‌سازی نقاط قوت خودی و حاشیه‌رانی نقاط ضعف غیرخودی است. از منظر لاکلا و موف، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، سازوکاری است که به واسطه آن، گفتمان‌ها سعی می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته کنند و نقاط ضعفشان را به حاشیه برانند و پنهان کنند؛ برعکس، نقاط قوت غیر یا دشمن را به حاشیه برانند و نقاط ضعف او را برجسته کنند (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). در این تحقیق، نمونه‌هایی از استعاره‌های نظام‌مند به کاررفته در روزنامه‌های *رسالت*، *کیهان*، *ایران*، *مردم‌سالاری* و *آفتاب* یزد را استخراج کرده و براساس روی کرد تحلیل گفتمان انتقادی و ندایک و روی کرد کاربردشناختی استعاره گفتمانی کامرون، آنها را تجزیه و تحلیل کرده‌ایم؛ بنابراین، در این بخش، لازم است روی کردهای شناختی و ندایک و کامرون را شرح دهیم.

۲-۱. روی کرد تحلیلی گفتمان انتقادی وندایک

روی کرد وندایک (۱۹۹۵: ۳۰) سه بخش تحلیلی اجتماعی، شناختی و گفتمانی دارد. شناخت اجتماعی، واسطی بین جامعه و گفتمان است و نظام بازنمایی‌های ذهنی و فرایندهای اعضای گروه به‌شمار می‌رود. گفتمان صرفاً ساخت متنی یا مکالمه‌ای نیست؛ بلکه عبارت از رخداد ارتباطی پیچیده‌ای است که بافت اجتماعی، مشارکان و نیز فرایندهای تولید و درک را مشخص می‌کند. تحلیل انتقادی تحقیق گفتمانی، به تحلیلی گفته می‌شود که در آن، روش‌های سوءاستفاده از قدرت اجتماعی، سلطه و نابرابری بازتولید شده از طریق متون اجتماعی و سیاسی، بررسی می‌شود (وندایک، ۲۰۰۱: ۳۵۲). تحلیل انتقادی، آشکارا تفسیر اجتماعی را از طریق درک انتقادی، جستجو می‌کند (وندایک، ۱۹۹۳: ۲۵۲). ایدئولوژی در چهارچوب چند رشته‌ای تعریف می‌شود که شامل مؤلفه‌های اجتماعی، شناختی و گفتمانی است. ایدئولوژی‌ها به‌مثابه نظام‌های عقاید، به‌لحاظ اجتماعی-شناختی، بازنمایی‌های مشترک گروه‌های اجتماعی‌اند و ایدئولوژی به‌مثابه بنیاد انگاره گروه اجتماعی، هویت‌ها، کنش‌ها، هنجارها و معیارها را سازمان‌دهی می‌کند (وندایک، ۲۰۰۶: ۱۱۵). ایدئولوژی، بنیاد گفتمان است و گفتمان ایدئولوژیک همیشه به‌لحاظ فردی و بافتی، تغییر می‌کند. درواقع، ایدئولوژی بین ساخت‌های جامعه‌شناختی و ساخت‌های ذهنی اعضای اجتماعی قرار گرفته است و به کنشگران اجتماعی، اجازه می‌دهد تا ویژگی‌های اجتماعی خود را به دانش و عقایدی برگردانند که الگوهای عینی تجربه‌های روزمره، یعنی بازنمایی‌های ذهنی کنش‌ها و گفتمان را می‌سازند. ایدئولوژی‌ها به‌طور غیرمستقیم، درک مردم از کارکردهای اجتماعی‌شان و همچنین ساخت‌های متن و گفتگو را کنترل می‌کنند. مقوله‌های تحلیلی ایدئولوژیک، ویژگی‌های ایدئولوژیک ساختارهای گفتمانی را توصیف و تبیین می‌کنند. ایدئولوژی‌ها معمولاً به‌صورت دیدگاه‌های اجتماعی خاص درمی‌آیند و سپس در حوزه‌های خاص اجتماعی مانند سیاست، رسانه، تجارت و... وارد عرصه گفتمان می‌شوند. برخی مقوله‌ها و راهبردهای ایدئولوژیک (وندایک، ۲۰۰۰: ۶۳ تا ۸۴) عبارت‌اند از:

الف) توصیف کنشگر^۱ (معنا): تمام گفتمان‌ها درباره افراد و کنش‌ها، شامل انواع مختلف توصیف کنشگر هستند و کنشگرها به‌مثابه اعضای گروه یا به‌صورت فردی از طریق نام یا نام خانوادگی، کارکرد و نقش توصیف می‌شوند.

ب) تمسک به صاحبان قدرت^۲ (استدلال): بسیاری از افراد در بحث‌های پارلمانی، برای اثبات ادعای خود، از صاحبان قدرت استفاده می‌کنند. سازمان‌های بین‌المللی، اندیشمندان، رسانه‌ها و کلیسا دارای چنین نقشی هستند.

ج) مقوله‌بندی^۳: براساس روان‌شناسی اجتماعی، انسان‌ها سعی می‌کنند افراد را مقوله‌بندی کنند و بعد از این مقوله‌بندی، گروه‌ها دارای ویژگی‌های مثبت یا منفی می‌شوند.

د) اجماع^۴ (راه‌برد سیاسی): یکی از راه‌بردهای سیاسی مورد استفاده در مناظره‌ها، نمایش اجماع است؛ مثلاً ایدئولوژی‌های نژادپرستی با ایدئولوژی‌های ملی‌گرایی، ترکیب می‌شوند و وحدت و منافع ملت، بر دسته‌بندی‌های سیاسی درون‌گروهی، مقدم است؛ به عبارت دیگر، وحدت، عبارت از انسجام و هم‌بستگی خودی‌ها در مقابل غیرخودی‌هاست.

ه) بزرگ‌نمایی^۵ (بلاغت): بزرگ‌نمایی همراه با اغراق، روشی برای مبالغه در واقعیت‌ها به‌نفع فردی خاص است؛ مثلاً ورود هزاران پناهنده به کشور، فاجعه‌ای ملی است که ما قربانی‌اش هستیم.

و) به‌گویی^۶ (بلاغت و معنا): به‌گویی، راه‌بردی بلاغی و معنایی برای تلطیف معنایی است که در گفتگو درباره مهاجران، نقشی مهم دارد. در راه‌برد برجسته‌سازی نقاط قوت خود و پرهیز از ایجاد تأثیرهای منفی، دیدگاه‌های منفی درباره مهاجران، تلطیف می‌شود.

ز) گواه‌نمایی^۷ (معنا و استدلال): ادعاها و دیدگاه‌های افراد، در خلال بحث‌ها، بهتر درک می‌شود؛ وقتی که گویندگان، دلایل و اسنادی برای ادعاها و دیدگاه‌هایشان به‌دست دهند. در جریان مناظره‌ها درباره مهاجران، ممکن است دیدگاه‌ها و باورهای منفی درباره آنها

-
1. Actor Description
 2. Authority
 3. Categorization
 4. Consensus
 5. Dramatization
 6. Euphemism
 7. Evidentiality

تعصب‌آمیز، تلقی شود و در این صورت، شواهد و اسناد، در انتقال واقعیت، و اعتماد و اعتبار، نقشی درخور توجه دارند.

ح) تلویحات^۱ (معنا): گویندگان به دلایل کاربردشناختی، به گفتن هر چیزی نیاز ندارند و بدین صورت، بخشی عمده از گفتمان، به شکل ضمنی باقی می‌ماند. این اطلاعات ضمنی، از سوی مخاطبان، با استفاده از دانش یا نگرش‌های مشترک، استنباط می‌شود و الگوهای ذهنی رخداد یا کنش بازنمایی‌شده افراد در گفتمان تلقی می‌شود. علاوه بر قواعد شناختی و کاربردشناختی عمومی، برای تلویحات، وضعیت تعاملی، اجتماعی - سیاسی و فرهنگی از جمله ادب و هنجارهای فرهنگی نیز وجود دارد.

ط) خودبزرگ‌منشی ملی^۲: برجسته‌سازی نقاط قوت خود، به‌ویژه در سخنرانی‌های پارلمانی درباره مهاجرت، با استفاده از شکل‌های مختلف خودبزرگ‌منشی ملی، صورت می‌گیرد و از جمله مصداق‌های آن می‌توان ارجاع مثبت یا تحسین کشور، اصول، تاریخ و سنت‌های کشور خود را نام برد.

ی) قطبی‌سازی^۳ و مقوله‌سازی خودی / غیرخودی (معنایی): این مقوله بدین صورت است که عبارت‌های شناختی، قطبی می‌شوند و تفکیک خودی و غیرخودی به‌عنوان راه‌برد معنایی بسیار رایج در مناظره‌ها درباره غیرخودی‌ها محسوب می‌شود.

ک) برجسته‌سازی نقاط قوت خود (راه‌برد کلان‌معنایی): در بافت مناظره درباره مهاجران، برجسته‌سازی نقاط قوت خود به‌صورت تأکید بر مهمان‌نوازی، تحمل، متعصب‌نبودن، ابراز همدری، حمایت از حقوق بشر و همسویی با قانون یا توافق‌های بین‌المللی، نمود می‌یابد. برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها اساساً مقوله‌ای ایدئولوژیک است؛ زیرا بر مبنای طرحواره‌های مثبت خودی‌ها، ایدئولوژی یک گروه تعریف می‌شود.

-
1. Implication
 2. National Self-Glorification
 3. Polarization

ل) ابهام‌ها^۱ (معنایی): ممکن است گویندگان در سخنانشان از عبارتهایی مبهم استفاده کنند؛ یعنی عبارتهایی را به کار برند که مصداق‌های مشخصی ندارند و یا به مجموعه‌های فازی اشاره می‌کنند؛ مانند: کمیت‌نماهای مبهم یک کمی و زیاد، و قیدهایی خیلی و... .

م) برجسته‌سازی نقاط ضعف غیرخودی‌ها (راه‌برد کلان‌معنایی): مقوله‌سازی افراد به صورت درون‌گروهی و برون‌گروهی، بدون وجود ارزش و معیار، صورت نمی‌گیرد؛ بلکه هنجارها و ارزش‌ها، کاربردهایی ایدئولوژیک دارند. در واقع، در این مقوله، گروه‌های غیرخودی به گونه‌ای منفی، در محتوای گفتمان، نمود می‌یابند.

ن) توصیف موقعیت: یکی از راه‌بردهای معنایی، توصیف موقعیت است. مناظره درباره پناهندگان، به توصیف غیرخودی‌ها در رابطه با خودی‌ها محدود نمی‌شود؛ بلکه در این مقوله، کنش‌ها، تجربه‌ها و همه موقعیت‌های مورد نیاز، توصیف می‌شوند و ممکن است موقعیت‌ها درباره علت‌ها، پیامدها و ارزیابی‌ها توضیح دهند.

س) تاریخ به مثابه درس عبرت^۲: موقعیت فعلی را می‌توان با رخ‌دادهای مثبت یا منفی ثبت‌شده در تاریخ، مقایسه کرد و این گونه مقایسه‌ها را می‌توان به موضوع‌های کلی درس‌های تاریخ، تعمیم داد.

ع) همدردی^۳: یکی از راه‌بردهای معنایی، همدردی است. در گفتمان‌های نژادپرستی، بسته به جنبه‌های سیاسی یا ایدئولوژیک، ممکن است انسان‌ها در پی آگاهی از مشکلات مهاجران و یا افراد خودی (مانند مالیات‌دهندگان)، با آنها ابراز همدردی کنند.

ف) استدلال منطقی: استدلال علیه مهاجران، براساس استانداردهایی مختلف صورت می‌گیرد که قضایای بدیهی و مستند، و دلایل کافی برای پذیرش نتیجه را بازنمایی می‌کنند.

ص) تکرار^۴: یکی از راه‌بردهای بلاغت، تکرار است و این شگرد، به مثابه ابزار بلاغی، تنها به مناظره‌های مربوط به مهاجرت، اختصاص ندارد؛ بلکه در راه‌برد کلی برجسته‌سازی نقاط قوت

-
1. Vagueness
 2. History as Lesson
 3. Emphaty
 4. Repitition

خودی‌ها و نقاط منفی غیرخودی‌ها نیز نقشی مهم دارد. در مناظره‌ها، تکرارهایی لفظی یا معنایی درباره مهاجران روی می‌دهد؛ بدین صورت که مثلاً مهاجران، افرادی غیر قابل اعتماد و هنجارشکن به‌شمار می‌روند. گاه نیز تکرارها صورت هنری به خود می‌گیرند.

ق) واژگان‌گرایی^۱: یکی از راه‌بردهای سبکی، واژگان‌گرایی است. در سطح خرد تحلیل در مناظره‌ها، به بیان مفاهیم و باورهای زیربنایی از طریق عناصر واژگانی خاص، نیاز هست و معانی مشابه از طریق واژه‌های مختلف، بسته به جایگاه، نقش، هدف‌ها و دیدگاه‌های گوینده، یعنی به‌منابۀ کاربرد مشخصه‌های بافتی، بیان می‌شوند. واژگان‌گرایی در حمایت از مهاجران، بر بازنمایی منفی حکومت‌های دیکتاتوری و اعمال آنها مانند ستم، شکنجه، سوءاستفاده و بی‌عدالتی، تأکید می‌کند و اعضای درون‌گروهی و برون‌گروهی بسته به جنبه‌ها و دیدگاه‌های سیاسی یا ایدئولوژیکشان برحسب عبارت‌هایی خاص، توصیف می‌شوند.

ر) مثال / تشریح^۲: یکی از راه‌بردهای خاص در استدلال، ذکر مثال‌های عینی به‌شکل داستان کوتاه و تشریح نکته‌های کلی است. مثال‌های عینی و ملموس، برخلاف حقایق کلی، نه تنها به‌سادگی قابل درک هستند؛ بلکه دلایل و اسناد تجربی را نیز عرضه می‌کنند. در مناظره‌های پناهندگان، مثال‌ها کارکردهایی شناختی، معنایی، استدلالی و سیاسی دارند.

۲-۲. روی کرد گفتمانی استعاره کامرون

زبان‌شناسی کاربردی در مطالعه استعاره، انواع مختلف صورت‌های زبانی از جمله واژه، بند، جمله و سطوح گفتمان را مورد توجه قرار می‌دهد. کامرون (۲۰۰۳: ۵۰۸) معتقد است استعاره از طریق دو عنصر اساسی عدم تجانس و امکان حل این بی‌تناسبی گفتمان شامل تعدادی قالب‌های بافتی از جمله قالب‌های فیزیکی، اجتماعی، تعاملی، زبانی و مفهومی است که از طریق کاربرد زبان، بروز می‌کند. از نظر کامرون، استعاره دو صورت زبانی و فرایندی دارد. هدف از روی کرد مورد بحث، مطالعه استعاره‌های زبانی واحد نیست؛ بلکه مطالعه استعاره‌هایی نظام‌مند، مورد نظر است که

-
1. Lexicalization
 2. Example/ Illustration

مجموعه‌هایی از عناصر مرتبط به‌لحاظ معنایی از حوزه مبدأ را دربر می‌گیرد. استعاره‌های گفتمانی از منظر روی‌کرد شناختی - اجتماعی و براساس نظریه مفهومی استعاره، مطالعه می‌شوند. این گونه استعاره‌ها حامل دانش فرهنگی هستند و در ساخت واقعیت اجتماعی و سیاسی، نقشی اساسی ایفا می‌کنند (آناس، ۱۹۹۵: ۷۴۴؛ لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۱۵۶). براساس روی‌کرد استعاره گفتمانی کامرون، سطوح تحلیل استعاره عبارت‌اند از:

الف) سطح نظریه: در این سطح، تحلیل نظری و مقوله‌سازی استعاره، صورت می‌گیرد و تبیین نظری استعاره براساس نظریه معنایی (نظریه رابطه‌ای معنا) و بحث استعاره در گفتمان، بررسی می‌شود.

ب) سطح پردازش: این سطح، شامل تعبیر و پردازش استعاره و تأثیر تعامل اجتماعی بر پردازش می‌شود.

ج) سطح عصبی (کامرون، ۱۹۹۹: ۶).

کامرون و لو (۱۹۹۹a: ۸۸) در روش‌شناسی تحلیل استعاره، سه مرحله را بدین شرح، معرفی کرده‌اند: روش‌شناسی تحلیل استعاره شامل جمع‌آوری نمونه‌هایی از استعاره‌های زبانی درباره موضوع؛ ارتباط و عمومیت‌بخشی استعاره‌های زبانی به استعاره‌های مفهومی زیرساختی آنها، استفاده از نتایج برای پیش‌نهاد الگوهای فهم و اندیشه سازنده و یا محدودکننده اعمال و عقاید و باورهای مردم. این روش‌شناسی، مشابه تحلیل سه‌مرحله‌ای گفتمان فرکلانف (۱۹۹۵: ۶)، یعنی توصیف، تفسیر و تبیین است و اساس تحلیل روش‌شناسی، تحلیل گفتمان انتقادی را تشکیل می‌دهد.

۳. تحلیل داده‌ها

با توجه به مفاهیم و مبانی نظری تحقیق، یعنی استعاره در روی‌کرد شناختی و کاربردشناختی، نیازی نیست همه داده‌های تحقیق، دارای یک موضوع خاص، مثلاً سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... باشد. همین اندازه که داده مورد نظر، بار ایدئولوژیکی داشته باشد و برپایه مفاهیم استعاره‌های شناختی، توصیف و تبیین‌پذیر باشد، کفایت می‌کند. با این دیدگاه، در این بخش از مقاله،

نمونه‌هایی از استعاره‌های نظام‌مند موجود در روزنامه‌های نام‌برده‌شده را براساس رویکردهای شناختی وندایک و کامرون، تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

۱-۳. استعاره ۱

در این قسمت، متنی را از روزنامهٔ رسالت بررسی می‌کنیم:

تحركات و مواضع همسوی رقبای انتخاباتی، بیشتر به‌منظور کشاندن دولت در محاق انفعال و گارد دفاعی، اتخاذ می‌شود و یقیناً گارد دفاعی برای دولت فعال و مبتکر دهم، آغاز یک حرکت فرسایشی روبه‌زوال خواهد بود. قطار گفتمان خدمت و پیش‌رفت اصول‌گرایان، پرشتاب در حال حرکت است؛ اما در کوپه‌های این قطار، برخی چه در داخل دولت و چه در خارج از آن، ترمزها را می‌کشند تا لوکوموتیو دولت را متوقف نمایند. این عده، اعم‌از خودی و غیرخودی می‌خواهند با توقف قطار، مسافران را پیاده کنند و آنها را سوار ترن دیگری نمایند. اصول‌گرایان نباید اجازه بدهند در حرکت و سرعت شتاب این قطار، اختلالی ایجاد شود. بهترین راه برای جلوگیری از این آسیب، اطلاع و اقناع لوکوموتیوران است. احمدی‌نژاد شایسته است به کوپه‌ها سرک بکشد و مسافران بی‌بلیط را در اولین ایستگاه، پیاده کند. در مواجهه با این پدیده، بخش‌های مختلف دولت، به هیچ وجه نباید منفعل شوند و قطار اصول‌گرایی را متوقف کنند... مشکل مشائی با تیزکردن پیکان انتقاد علیه دولت، حل نمی‌شود (رسالت، ۸۹/۵/۲۳).

براساس رویکرد گفتمانی کامرون، تحلیل استعاره، سه سطح را بدین شرح دربر می‌گیرد: شناسایی و مقوله‌بندی استعاره، استخراج استعاره، تبیین آن از منظر کاربردشناسی و اجتماعی و فرهنگی. با توجه به این رویکرد، استعاره‌های زبانی مورد استفاده در این گفتمان، عبارت‌اند از: گارد دفاعی دولت، حرکت فرسایشی، قطار گفتمان خدمت و پیش‌رفت اصول‌گرایان، کوپه‌های قطار، کشیدن ترمز قطار، لوکوموتیو دولت، سوارشدن ترن دیگر، اطلاع و اقناع لوکوموتیوران، مسافران بی‌بلیط، ایستگاه قطار، قطار اصول‌گرایی و تیزکردن پیکان انتقاد. استعاره‌های مفهومی حاصل از این استعاره‌های زبانی، بدین شرح‌اند: رقابت رقیبان انتخاباتی به‌مثابهٔ جنگ، تضعیف دولت به‌مثابهٔ فرسایش و زوال، گفتمان اصول‌گرایی به‌مثابهٔ قطار، دولت به‌مثابهٔ لوکوموتیو و انتقاد

به‌مثابه ابزار. یکی از عوامل اصلی در کاربرد این گونه استعاره‌ها، ملاحظات سیاسی است؛ زیرا نویسندگان این روزنامه، با انتخاب استعاره «گفتمان اصول‌گرایی به‌مثابه قطار»، در نشان‌دادن انسجام و اتحاد بین اصول‌گرایانی می‌کوشند که به‌صورت زنجیره‌ای در کویه‌های مختلف قطار اصول‌گرایی قرار گرفته‌اند و هدایت این قطار برعهده دولت اصول‌گراست. نکته مهم دیگر در این بحث، تأکید بر اصول‌گرایی دولت دهم با وجود موضع‌گیری‌های سیاسی مختلف از سوی برخی افراد است. یکی از دیگر علت‌های سیاسی برای انتخاب این استعاره، اهمیت و جایگاه دولت در این قطار است که به‌عنوان لوکوموتیو در نظر گرفته شده و بدین صورت، پیش‌رو بودن و هسته اصلی این قطار اصول‌گرایی، نشان داده شده است؛ بنابراین، براساس روی‌کرد کامرون، استعاره‌های زبانی و مفهومی به‌کاررفته در این گفتمان، از یک محدوده موضوعی انتخاب نشده‌اند و موضوع‌هایی مختلف، از جمله رقابت انتخاباتی و انتقاد از دولت را دربر می‌گیرند؛ بدین ترتیب، شاهد خوشه‌های استعاره، یعنی مجموعه‌ای از استعاره‌های گوناگون هستیم. از طرف دیگر، استعاره‌های زبانی به‌کاررفته درباره گفتمان اصول‌گرایی، گونه‌هایی نظام‌مند از استعاره را نشان می‌دهند. با توجه به همپوشی حوزه‌های مبدأ و مقصد، و کارکرد سیاسی و ایدئولوژیک استعاره مفهومی «گفتمان اصول‌گرایی به‌مثابه قطار» می‌توان این استعاره را نوعی استعاره مرکب دانست. از منظر روی‌کرد انتقادی و ندایک، این گفتمان شامل راه‌بردهای ایدئولوژیک مختلفی بدین شرح است:

الف) راه‌برد قطبی‌سازی: در این گفتمان، نویسندگان روزنامه رسالت، از طریق کاربرد استعاره‌های مختلف از جمله تقابل رقیبان انتخاباتی با دولت به‌مثابه جنگ، وجود برخی افراد در داخل دولت جهت کشیدن ترمز قطار اصول‌گرایی و غیرخودی‌ها به‌مثابه مسافران بی‌بلیط، در تفکیک خودی از غیرخودی کوشیده‌اند.

ب) راه‌برد ایدئولوژیک برجسته‌سازی نقاط ضعف غیرخودی‌ها: در این گفتمان، از منظر و ندایک، شاهد برجسته‌سازی نقاط ضعف غیرخودی‌ها هستیم؛ از جمله: تلاش برای فرسایش دولت دهم، اخلال در فعالیت‌های دولت و غیرقانونی بودن حضور برخی در دولت از طریق کاربرد

استعاره‌های تضعیف دولت به مثابه فرسایش و زوال دولت، کشیدن ترمز لوکوموتیو دولت توسط برخی در کوبه‌های قطار، و مسافران بی‌بلیط.

ج) توصیف کنشگر: نویسندگان روزنامه رسالت در این گفتمان، برخی افراد داخل قطار اصول‌گرایی را توصیف کرده‌اند که در توقف قطار، پیاده کردن مسافران و خارج کردن قطار از دایره اصول‌گرایی می‌کوشند.

د) برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها: در این گفتمان، وجود استعاره پرشتاب حرکت کردن قطار گفتمان خدمت و پیش‌رفت اصول‌گرایان، یکی از نشانه‌های برجسته‌سازی نقاط قوت اصول‌گرایان است. از نگاه لاکلا و موف، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، سازوکاری است که به واسطه آن، گفتمان‌ها سعی می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته کنند و نقاط ضعفشان را به حاشیه برانند و پنهان کنند؛ برعکس، نقاط قوت غیرخودی را به حاشیه برانند و نقاط ضعف او را برجسته کنند. در این گفتمان، نظر لاکلا و موف را آشکارا می‌توان دید.

ه) برجسته‌سازی نقاط ضعف خودی‌ها: نکته جالب توجه در این گفتمان، آن است که برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها و نقاط ضعف غیرخودی‌ها و همچنین حاشیه‌رانی نقاط ضعف خودی‌ها و نقاط قوت غیرخودی‌ها به عنوان یک اصل و راه‌برد ایدئولوژیک در روی‌کرد وندایک، مطرح است؛ اما در این گفتمان، شاهد برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها از سوی اصول‌گرایان هستیم و شواهد مورد نظر، استعاره‌هایی زبانی هستند؛ از جمله: کشیدن ترمز قطار و توقف لوکوموتیو دولت به دست برخی افراد در داخل دولت در کوبه‌های قطار اصول‌گرایی، پیاده کردن مسافران از قطار اصول‌گرایی توسط خودی‌ها و غیرخودی‌ها و خروج مسافران اصول‌گرا از دایره اصول‌گرایی و سوارشدن قطار دیگر، اطلاع و اقناع لوکوموتیوران و سرک کشیدن احمدی‌نژاد در کوبه‌ها، مسافران بی‌بلیط. همه این استعاره‌های زبانی، برجسته‌سازی نقاط ضعف اصول‌گرایان را نشان می‌دهند.

۲-۳. استعاره ۲

نمونه این قسمت را از روزنامه کیهان انتخاب کرده‌ایم:

.... زمامداران غرب بر دامنه آتش فشان، خانه ساخته‌اند. گسل زلزله بزرگ زیر پای غرب، در حال سرباز کردن است. زمین زیر پای اردوگاه لیبرال-دموکراسی سکولار می‌لرزد. چرایی ماجرا، همان آیت نورانی قرآن است. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ...». زمین زیر پای طغیانگران ستیزه‌جو می‌لرزد... سکولاریسم و لیبرالیسم، هاضمه‌اش برای بلعیدن ادیان ضعیف، قوی بود؛ اما دین قوی و فربه را نمی‌تواند بلعد و از گلویش پایین نمی‌رود و لذا، ستیزه‌گر می‌شود... (کیهان، ۸۹/۶/۲۵).

در این متن، استعاره‌های زبانی عبارت‌اند از: بناکردن خانه بر دامنه آتش فشان از سوی غرب، گسل زیر پای غرب، لرزیدن زمین زیر پای اردوگاه لیبرال-دموکرات سکولار، بلعیده شدن ادیان ضعیف از سوی سکولاریسم و لیبرالیسم، دین قوی و فربه، و گلوئی سکولاریسم و لیبرالیسم. استعاره‌های مفهومی حاصل از این استعاره‌های زبانی بدین شرح‌اند: زیرساختار، زمامداری غرب به‌مثابه آتش فشان و گسل، سکولاریسم و لیبرالیسم به‌مثابه موجود جان‌دار، و دین به‌مثابه موجود انگیزه اصلی برای کاربرد چنین استعاره‌هایی، مسائل سیاسی و فرهنگی است. نویسنده متن برای تشریح ساختار و پایه سست نظام سیاسی و فرهنگی غرب، از استعاره‌هایی خاص همچون «آتش فشان» و «گسل» استفاده کرده است. خواننده با درک چنین استعاره‌هایی، به راحتی می‌تواند به ساختار متزلزل نظام غرب، پی ببرد. از طرفی سکولاریسم و لیبرالیسم به‌مثابه موجوداتی زنده می‌توانند دین‌های ضعیف را بلعند و این، خود نشان‌دهنده وحشیگری نظام سیاسی غرب است. استعاره‌های زبانی به کاررفته در گفتمان، بیشتر حول موضوعی اصلی، یعنی پایه سست نظام سیاسی غرب می‌گردند و بدین صورت، استعاره نظام‌مند را تشکیل می‌دهند؛ اما در ادامه، از استعاره‌های زبانی بلعیده شدن دین‌های دیگر از سوی سکولاریسم و لیبرالیسم صحبت شده است و درکل، استعاره‌های زبانی، خوشه‌های استعاری را تشکیل می‌دهند. یکی از راه‌بردهای ایدئولوژیک استفاده‌شده در گفتمان از منظر وندایک، قطبی‌سازی است که تقابل بین خودی‌ها و غیرخودی‌ها را به تصویر کشیده است؛ یعنی نظام سکولاریسم و لیبرالیسم غربی، درمقابل دین اسلام (دین فربه و قوی)، چاره‌ای جز تسلیم شدن ندارد. راه‌برد ایدئولوژیک دیگر، توصیف کنشگر است؛ بدین شرح که زمامداران غرب و اردوگاه لیبرال-دموکرات، ساختار و پایه‌ای سست دارند که با فعال شدن

گسل‌ها و آتش‌فشان، به آسانی فرومی‌ریزند. نظام سکولار و لیبرال غرب سعی می‌کند دین‌های دیگر را در خود هضم کند و سیطره‌اش را بر نظام سیاسی جهان، گسترش دهد. راه‌برد ایدئولوژیک دیگر در این گفتمان، گواه‌نمایی است؛ بدین صورت که نویسنده متن برای اثبات ادعای خود، شواهدی از آیه‌های قرآن می‌آورد که براساس آنها، زمین زیر پای ستیزه‌جو می‌لرزد.

۳-۳. استعاره ۳

در این بخش، متنی را از روزنامه *ایران* انتخاب کرده‌ایم:

غرب از نظر وی، محل غروب آفتاب است، غرب، مغرب معناست... غرب در مسیر بت‌گرایی کالایی، از ذات و کیفیت خود دور شده و به ورطه نابودی درافتاده است... گنون این دگرگونی فرهنگی، یعنی گذار از کیفیت به کمیت را ریشه در رنسانس و جریان فکری مسلط بر آن، یعنی اومانسیم برمی‌شمارد. از ملازمت این دو با هم، موجودی عجیب‌الخلقه پدید آمد که به لحاظ مادی و جسمانی، فراخ، ولی به لحاظ روحی و معنوی، در وضعیتی عقب‌مانده به سر می‌برد... از نظر وی، انگاره فردگرایی، ریشه بیماری‌های فرهنگی در غرب است... نتیجه این مادی‌شدن روزافزون، انجماد عالم است (روزنامه *ایران*، ۱۸/۶/۸۹).

براساس رویکرد استعاره گفتمانی کامرون، استعاره‌های زبانی در سطح اول از تحلیل استعاره گفتمانی عبارت‌اند از: غرب محل غروب آفتاب، غرب مغرب معنا، مسیر بت‌گرایی، گذار از کیفیت به کمیت، موجودی عجیب‌الخلقه و عقب‌مانده، بیماری‌های فرهنگی و انجماد عالم. استعاره‌های مفهومی حاصل از این استعاره‌های زبانی در سطح دوم تحلیل، بدین شرح‌اند: غرب به‌مثابه محل غروب آفتاب، غرب به‌مثابه موجودی عجیب‌الخلقه و عالم به‌مثابه مایع. عوامل تأثیرگذار در کاربرد این گونه استعاره‌ها، از نوع فرهنگی و ایدئولوژیک هستند؛ زیرا نویسنده متن برای به‌حاشیه‌بردن غرب و تضعیف آن، از استعاره‌هایی استفاده کرده است همچون: غرب به‌مثابه محل غروب آفتاب، غرب به‌مثابه موجود عجیب‌الخلقه، بیماری‌های فرهنگی غرب و انجماد عالم. استعاره‌های زبانی استفاده‌شده در این گفتمان، به لحاظ معنایی، درحوزه یک موضوع واحد قرار گرفته و استعاره نظام‌مند را پدید آورده‌اند. به سبب غیربنیادی و غیرحسی بودن حوزه‌های مبدأ و مقصد، استعاره‌های مفهومی و کارکرد ایدئولوژیک آنها در زمره استعاره‌های مرکب، قرار

می‌گیرند. یکی از راه‌بردهای ایدئولوژیک از منظر وندایک در گفتمان ذکر شده، برجسته‌سازی نقاط ضعف غیر خودی‌ها از طریق کاربرد استعاره‌هایی است؛ از جمله: غرب به منزله محل غروب آفتاب، غرب به مثابه موجود عجیب‌الخلقه و بیماری‌های فرهنگی غرب. در این نمونه‌ها، غرب به سبب حرکت به سمت کمیت، به لحاظ جسمانی، فراخ و از جهت روحی و معنوی، عقب مانده است. یکی دیگر از راه‌بردهای ایدئولوژیک در گفتمان ذکر شده، توصیف کنشگر است؛ بدین شرح که در متن مورد بحث، غرب به منزله موجودی عجیب‌الخلقه در نظر گرفته شده و در واقع، ویژگی‌های انسانی یافته و بدین صورت، کنشگر محسوب شده است. در این گفتمان، نویسنده، غرب را با استفاده از استعاره‌هایی مانند غرب به مثابه موجودی عجیب‌الخلقه با جسمی فراخ و روحی عقب مانده توصیف کرده و به یکی از دال‌ها در مفصل‌بندی گفتمان غرب از جمله اومانسیم و فردگرایی نیز اشاره کرده است.

۴-۳. استعاره ۴

متن این قسمت را از روزنامه مردم سالاری انتخاب کرده‌ایم: «در یک کلام، قانون اساسی، قطب‌نمای حرکت سفینه حکومت به سمت آرمان‌ها و اهداف یک ملت است و همین قانون اساسی است که وظایف و اهمیت قوه مقننه را مشخص می‌کند» (مردم سالاری، ۸۹/۵/۶).

بر اساس رویکرد کامرون، تحلیل استعاره گفتمانی در سطح اول، یعنی شناسایی استعاره‌های زبانی، عبارت است از: قانون اساسی به مثابه قطب‌نمای حرکت سفینه حکومت به سمت آرمان‌ها و هدف‌های یک ملت. سطح دوم از تحلیل استعاره گفتمانی، شامل استخراج استعاره مفهومی از استعاره‌های زبانی به کاررفته در گفتمان است و در گفتمان مورد بحث، استعاره مفهومی عبارت است از: حکومت به مثابه سفینه. در سطح سوم از تحلیل گفتمانی استعاره، تأثیر عوامل کاربردشناختی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در کاربرد استعاره، بررسی می‌شود. در این گفتمان، کاربرد استعاره «حکومت به مثابه سفینه و قانون اساسی به مثابه قطب‌نمای حرکت سفینه حکومت»، ناشی از ملاحظات سیاسی و ایدئولوژیک است؛ به عبارت دیگر، در مفصل‌بندی گفتمان، اصلاح‌طلبی یکی از دال‌های مهم قانون‌گرایی است که در گفتار بیشتر اصلاح‌طلبان، برجسته

می‌شود؛ بنابراین، نویسنده/ گوینده این گفتمان، اهمیت قانون اساسی را از طریق کاربرد استعاره «قانون اساسی به‌مثابه قطب‌نمای حرکت سفینه حکومت»، برجسته کرده است. استعاره‌های زبانی به‌کاررفته در این گفتمان، به‌لحاظ معنایی، در یک حوزه قرار می‌گیرند و موضوعی واحد را تداعی می‌کنند که از منظر روی‌کرد گفتمانی استعاره کامرون، استعاره نظام‌مند نامیده می‌شود. به‌علت غیربنیادی و غیرحسی بودن حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاری و کارکردهای سیاسی و ایدئولوژیک این استعاره‌ها می‌توان آنها را در زمره استعاره‌های مرکب قرار داد. از منظر وندایک، یکی از راه‌بردهای ایدئولوژیک در این گفتمان، برجسته‌سازی نقاط قوت گفتمان خودی‌ها (اصلاح‌طلبی) از طریق کاربرد استعاره «قانون اساسی به‌مثابه قطب‌نمای حرکت سفینه حکومت» است که در واقع، جهت حرکت سفینه را مشخص می‌کند.

۵-۳. استعاره ۵

در این بخش، متنی را از روزنامه *آفتاب* ببرد برگزیده‌ایم:

شاید بد نباشد برای پی‌بردن به فضای سیاسی کشور، دست به یک شبیه‌سازی بزنیم. در حال حاضر، فضای سیاسی کشور، شباهت فراوان به میدان فوتبال پیدا کرده است. از یک طرف تمام زمین را اصول‌گرایان احاطه کرده‌اند؛ اما تنها بخشی از آنان در حال بازی هستند... در این میان، گروهی هم بر روی نیمکت ذخیره نشاندگی شده‌اند... اما مردم از آنان به‌عنوان نخبگان یاد می‌کنند... تصور کنید در تیم فوتبالی که فقط یک گروه اندک در میانه میدان، میدان‌داری می‌کند و تنها به دنبال تک‌روی است، می‌توان به موفقیت آن تیم، امیدوار بود؟... این گروه قلیل، اما قدرتمند، به نصایح مربی (قانون) گوش فرامی‌دهد... آیا اینکه بازی‌کنان سرشناس و موجه و همچنین مورد تأیید مربی را بر روی نیمکت بنشانیم، می‌توان نتیجه‌ای حاصل کرد؟ آیا بی‌توجهی به بازی‌کنان کهنه‌کار، اما هم‌فکر که روزگاری به‌پشتوانه آنان، مطرح شدیم، پایان خوشی را برای تیم، رقم خواهد زد؟... همچنان از به‌کار گرفتن نیروی فوق‌العاده نخبگان نیمکت‌نشین، تردید می‌کنند. بسیاری از نخبگان، منتظر اشاره هستند تا پا به میدان بگذارند و به یاری

تیم بشتابند؛ زیرا خود را از این تیم و متعلق به آن می‌دانند... (روزنامه آفتاب یزد، ۱۳۹۶/۶/۲۲).

براساس روی‌کرد گفتمانی استعاره کامرون، سطح اول تحلیل استعاره، یعنی شناسایی استعاره‌های زبانی عبارت است از: فضای سیاسی کشور به‌مثابه میدان فوتبال، احاطه زمین به‌دست اصول‌گرایان، بازی بخشی از اصول‌گرایان، نشانه‌شدن بخشی از اصول‌گرایان - که از نظر مردم، نخبگان هستند - بر روی نیمکت ذخیره، میدان‌داری گروه اندک در این تیم فوتبال و تک‌روی آنها، موفقیت تیم، گوش‌ندادن این گروه قلیل به حرف مربی (قانون)، بر روی نیمکت نشاندن بازی‌کنان سرشناس و موجه و مورد تأیید مربی، بازی‌کنان کهنه‌کار، رقم‌زدن پایان خوش برای تیم، تردید در به‌کارگیری نیروی فوق‌العاده نخبگان نیمکت‌نشین، انتظار نخبگان برای ورود به میدان و یاری کردن تیم و تعلق آنان به تیم. سطح دوم از تحلیل استعاره گفتمانی، یعنی استخراج استعاره‌های مفهومی حاصل از این استعاره‌های زبانی، بدین شرح است: سیاست به‌مثابه بازی و فضای سیاسی کشور به‌مثابه میدان فوتبال. عوامل تأثیرگذار براساس سطح سوم تحلیل، عبارت است از: ملاحظات سیاسی و ایدئولوژیک؛ زیرا نویسنده متن، با استفاده از استعاره فضای سیاسی کشور به‌مثابه میدان بازی توانسته است سیمای فضای سیاسی کشور را به‌روشنی، به‌تصویر بکشد و بدین صورت، هر مخاطب معمولی، به‌آسانی می‌تواند از طریق این استعاره، فضای سیاسی کشور را درک کند. از طرفی، روزنامه آفتاب یزد با انتخاب این متن، در القای نقاط ضعف اصول‌گرایان در اذهان مخاطبان کوشیده است. همه استعاره‌های زبانی به‌کاررفته در این متن، به یک حوزه موضوعی، تعلق دارند و استعاره نظام‌مند را پدید آورده‌اند. یکی از راه‌بردهای ایدئولوژیک در گفتمان ازمنظر وندایک، قطبی‌سازی است و در این نمونه، کاربرد استعاره احاطه کردن تمام زمین از سوی تمام اصول‌گرایان و همچنین فضای سیاسی کشور به‌مثابه میدان فوتبال، تقابل بین اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان را برجسته کرده است؛ زیرا در مسابقه فوتبال، دو تیم با یکدیگر بازی می‌کنند و در این بازی، قطعاً یکی از تیم‌ها، طیف اصول‌گرایان و تیم مقابل آن، اصلاح‌طلبان است. علاوه بر این، تقابل درونی در طیف اصول‌گرایی، از استعاره‌های به‌کاررفته در گفتمان یادشده، یعنی تقابل بین نخبگان و بازی‌کنان کهنه‌کار و افراد تک‌رو، قدرتمند و بی‌اعتنا به نصایح

مری (قانون)، کاملاً مشهود است. نخبگان طیف اصول‌گرایی، روی نیمکت نشسته و منتظر اشاره‌ای هستند تا وارد میدان شوند و به یاری تیم بشتابند. راه‌برد ایدئولوژیک دیگر، برجسته‌سازی نقاط ضعف اصول‌گرایان و به‌ویژه افراد تک‌رو در این طیف است. این راه‌برد از طریق استعاره‌هایی بدین شرح، توصیف شده است: بازی کردن بخشی از اصول‌گرایان، به نیمکت ذخیره نشان دادن نخبگان طیف اصول‌گرایی، گوش‌ندادن گروه قلیل به حرف مری (قانون) و تک‌روی آنان و همچنین میدان‌داری آنان در میانه زمین و بی‌توجهی به بازی‌کنان کهنه‌کار و تردید در به‌کارگیری نیروی فوق‌العاده نخبگان نیمکت‌نشین. یکی از راه‌بردهای ایدئولوژیک دیگر در گفتمان مورد بحث، تشریح است؛ بدین صورت که طرف‌داران سیاست و نیز رسانه‌ها سعی می‌کنند اعمال و نقاط ضعف خود را تشریح نکنند؛ اما نقاط ضعف غیرخودی‌ها را تشریح کنند. در این گفتمان، تنها نقاط ضعف اصول‌گرایان تشریح شده است. راه‌برد ایدئولوژیک دیگر در گفتمان یادشده، تلویحات است؛ بدین شرح که مخاطبان باید با رجوع به دانش سیاسی خود دریابند که منظور نویسنده از نخبگان و افراد کهنه‌کار در طیف اصول‌گرایی، میدان‌داری گروه اندک و همچنین تیم مقابل اصول‌گرایان، چه کسانی بوده است.

۶-۳. استعاره ۶

در این بخش، متنی را از روزنامه *ایران* انتخاب کرده‌ایم:

نخست آنکه شکسته‌شدن چارچوب دولت‌های ملی، به‌معنای افتادن تنها سپری است که ملت‌ها را در برابر امواج توفنده «یک‌پارچه‌سازی» تحمیلی نظام سرمایه‌داری، مصون می‌دارد... زمین‌گیر شدن ماشین دولت‌های سازندگی و اصلاحات در باتلاق تئوری‌ها و راه‌بردهای غیربومی و وابسته‌گرایانه، و نادیده‌انگاشتن مسائل و معضلات واقعی جامعه از طریق بزرگ‌نمایی و برجسته‌سازی مسائل مرتبط با فرایندهای جهانی به‌عنوان نیازهای واقعی جامعه ایران، فصل‌پایانی حاکمیت آنان را در تابستان ۸۴ رقم زد... (روزنامه *ایران*، ۸۹/۶/۲۷).

در این گفتمان، براساس روی‌کرد کامرون، شناسایی استعاره‌های زبانی در سطح اول از تحلیل استعاره گفتمانی، عبارت است از: شکسته‌شدن چهارچوب دولت‌های ملی، افتادن سپر، امواج

توفندهٔ یک پارچه‌سازی، زمین‌گیرشدن ماشین دولت‌های سازندگی و اصلاحات در باتلاق تئوری‌ها و راه‌بردهای غیربومی. استعاره‌های مفهومی حاصل از استعاره‌های زبانی در سطح دوم تحلیل، عبارت‌اند از: دولت‌های ملی به‌مثابهٔ ساختمان و سپر، یک پارچه‌سازی به‌مثابهٔ امواج توفنده، دولت‌های سازندگی و اصلاحات به‌مثابهٔ ماشین، و تئوری‌ها و راه‌بردهای غیربومی و وابسته‌گرایانه به‌مثابهٔ باتلاق. در سطح سوم از تحلیل عوامل تأثیرگذار در کاربرد استعاره‌های سیاسی و کاربردشناختی هستند که نویسندگان برای القای ناکارآمدی دولت سازندگی و اصلاحات، از «باتلاق تئوری‌ها و راه‌بردهای غیربومی و وابسته‌گرایانه» استفاده کرده است؛ به عبارت دیگر، نویسنده، تئوری‌های دولت‌های سازندگی و اصلاحات را به‌سبب غیربومی بودن و وابستگی آنها، «باتلاق» خوانده است. استعاره‌های زبانی به‌کاررفته، درحوزهٔ دو موضوع قرار می‌گیرند و خوشه‌های استعاری را تشکیل می‌دهند. به‌سبب غیربنیادی بودن و غیرحسی بودن حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاره‌ها و کارکرد ایدئولوژیک می‌توان آنها را درزمرهٔ استعاره‌های مرکب قرار داد. یکی از راه‌بردهای ایدئولوژیک در این گفتمان ازمنظر وندایک، قطبی‌سازی است؛ بدین شرح که تقابل بین اصول‌گرایی و دولت‌های سازندگی و اصلاحات، ازطریق کاربرد استعاره‌هایی خاص به‌تصویر کشیده شده است؛ ازجمله: زمین‌گیرشدن دولت‌های سازندگی و اصلاحات در باتلاق تئوری‌ها و راه‌بردهای غیربومی و وابسته‌گرایانه؛ همچنین تقابل بین دولت‌های ملی و نظام سرمایه‌داری غرب، ازطریق کاربرد استعارهٔ «دولت‌های ملی به‌مثابهٔ سپری دربرابر امواج توفندهٔ یک پارچه‌سازی تحمیلی نظام سرمایه‌داری» کاملاً مشهود است.

راه‌برد ایدئولوژیک دیگر در گفتمان مورد بحث، برجسته‌سازی نقاط ضعف دولت‌های اصلاحات و سازندگی ازطریق کاربرد استعارهٔ «زمین‌گیرشدن ماشین دولت‌های سازندگی و اصلاحات در باتلاق تئوری‌ها و راه‌بردهای غیربومی و وابسته‌گرایانه» ازسوی نویسنده است؛ همچنین راه‌برد ایدئولوژیک سوم در گفتمان برجسته‌سازی نقاط مثبت دولت‌های ملی، ازطریق کاربرد استعارهٔ «دولت‌های ملی به‌مثابهٔ سپر برای مصون نگه‌داشتن ملت‌ها دربرابر امواج توفندهٔ یک پارچه‌سازی تحمیلی نظام سرمایه‌داری» است.

براساس تحلیل نمونه‌های استعاره در روزنامه‌های مورد نظر، یکی از کارکردهای استعاره در گفت‌وگو، برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها و نقاط ضعف غیرخودی‌هاست. برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها نشان‌دهنده برجسته‌سازی ایدئولوژی خودی‌ها و برجسته‌سازی نقاط ضعف خودی‌ها، نشان‌دهنده حاشیه‌رانی ایدئولوژی غیرخودی‌هاست؛ به عبارت دیگر، برجسته‌سازی ایدئولوژی خودی‌ها در هر یک از نمونه‌های استعاره از طریق کاربرد استعاره‌های «پرشتاب حرکت کردن قطار گفت‌وگو خدمت و پیشرفت اصول‌گرایان» به‌عنوان یکی از نشانه‌های برجسته‌سازی نقاط قوت اصول‌گرایان (استعاره ۱)، «دین اسلام به‌مثابه دین قوی و فربه در نظر گرفته شده است و سکولاریسم و لیبرالیسم، دین قوی و فربه را نمی‌تواند ببلعد و از گلویش پایین نمی‌رود و لذا ستیزه‌گر می‌شود» (استعاره ۲)، «قانون اساسی، قطب‌نمای حرکت سفینه حکومت به سمت آرمان‌ها و اهداف یک ملت» (استعاره ۴)، «احاطه‌شدن تمام زمین به دست اصول‌گرایان» (استعاره ۵)، نشان داده شده است. از طرف دیگر، حاشیه‌رانی ایدئولوژی‌های غیرخودی از طریق کاربرد استعاره‌های «تلاش جهت فرسایش دولت دهم»، «اخلال در فعالیت‌های دولت» و «غیرقانونی‌بودن حضور برخی در دولت»، از طریق کاربرد استعاره‌های «تضعیف دولت به‌مثابه فرسایش و زوال دولت»، «کشیدن ترمز لوکوموتیو دولت از سوی برخی در کوبه‌های قطار» و «مسافران بی‌بلیط» (استعاره ۱)، «خانه‌ساختن زمام‌داران غرب بر دامنه آتش‌فشان»، «سربازکردن گسل زلزله بزرگ زیر پای غرب»، «لرزیدن زمین زیر پای اردوگاه لیبرال - دموکرات سکولار» (استعاره ۲)، «غرب به‌منزله محل غروب آفتاب»، «غرب به‌مثابه موجود عجیب‌الخلقه» و «بیماری‌های فرهنگی غرب» (استعاره ۳)، «بازی کردن بخشی از اصول‌گرایان»، «به نیمکت ذخیره نشان دادن نخبگان طیف اصول‌گرایان»، «گوش‌ندادن گروه قلیل به حرف مربی (قانون) و تک‌روی آنان و همچنین میدان‌داری آنان درمیانه زمین و بی‌توجهی به بازی‌کنان کهنه‌کار و تردید در به‌کارگیری نیروی فوق‌العاده نخبگان نیمکت‌نشین» (استعاره ۵) نشان داده شده است. در استعاره ۶، نقاط ضعف دولت‌های اصلاحات و سازندگی، از طریق کاربرد استعاره «زمین‌گیر شدن ماشین دولت‌های سازندگی و اصلاحات در باتلاق تنوری‌ها و راه‌بردهای غیربومی و وابسته‌گرایانه» از سوی نویسنده برجسته شده است؛ همچنین در گفت‌وگو مورد بحث، برجسته‌سازی نقاط مثبت

دولت‌های ملی، از طریق کاربرد استعاره «دولت‌های ملی به‌مثابه سپر برای مصون نگه‌داشتن ملت‌ها در برابر امواج توفنده یک‌پارچه‌سازی تحمیلی نظام سرمایه‌داری» نشان داده شده است.

۴. نتیجه‌گیری

داده‌های تحقیق حاضر، حاکی از آن است که نقش‌های اصلی استعاره در نمونه‌های استعاری بررسی شده از روزنامه‌های مورد نظر، بازنمایی و بازتولید ایدئولوژی و همچنین برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی‌هاست و نمونه‌های برگرفته از روزنامه‌های بررسی شده، فرضیه‌های تحقیق را تأیید می‌کنند. تحلیل داده‌های پژوهش، همچنین حاکی از آن است که راه‌بردهای ایدئولوژیک استعاره نظام‌مند در نمونه‌های استعاری بررسی شده، عبارت‌اند از: قطبی‌سازی، برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها و نقاط ضعف غیرخودی‌ها، توصیف کنشگر، گواه‌نمایی، تلویحات و تشریح. از طرفی نیز وندایک این راه‌بردهای ایدئولوژیک را از منظر انتقادی در گفتمان، مطرح کرده است؛ بنابراین، با توجه به مباحث یادشده، نتیجه می‌گیریم که استعاره نظام‌مند و خوشه‌های استعاری، در نمونه‌های استعاری بررسی شده، در واقع، به‌مثابه گفتمان در نظر گرفته شده‌اند و این استعاره‌های نظام‌مند و خوشه‌های استعاری در نمونه‌های استعاری مورد نظر، ایدئولوژی را بازنمایی می‌کند.

منابع

- آفتاب یزد (۱۳۸۹).

<www.aftabeyazd.ir>

- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.

- ایران (۱۳۸۹).

<www.Iran-newspaper.com>

- رسالت (۱۳۸۹).

<www.resalat-news.com>

- سلطانی، سید علی اصغر (۷ ۱۳). *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر نی.

- کیهان (۱۳۸۹).

<www.KayhanNews.ir>

- مردم‌سالاری (۱۳۸۹).

<www.mardomsalary.com>

- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۵). *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*. تهران: هرمس.
- یارمحمدی، لطف‌الله و مجید خسروی نیک (۱۳۷۹). «ساختارهای گفتمانی و ایدئولوژیکی در گفتمان‌های خبری روزنامه‌های ایران». *پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی*. صص ۲۸۳ تا ۳۰۱.

- Annas, George (1995). "Reframing the Debate on Health Care Reform by Replacing Our Metaphors". *New England Journal of Medicine*. N. 332. PP. 744 - 747.
- Cameron, Lynne (1999a). "Identifying and Describing Metaphor in Spoken Discourse Data". In Cameron, Lynne and G. Low (Ed.). *Researching and Applying Metaphor*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ----- (1999b). "Operationalising 'Metaphor' for Applied Linguistic Research". In Cameron, Lynne and Graham Low (eds.). PP. 3 - 28.
- ----- (2003). *Metaphor in Educational Discourse*. London: Continuum.
- ----- (2007). "Patterns of Metaphor Use in Reconciliation Talk". In *Discourse & Society*. N. 18. PP. 197 - 222.
- ----- (2008). "A Discourse Approach to Metaphor: Explaining Systematic Metaphors for Literacy Processes in a School Discourse Community". In Tyler, Andrea, Kim Yiyong and Mari Takada (eds.). *Language in the Context of Use: Discourse and Cognitive Approaches to Language*. PP. 321 - 328.
- "Discourse Dynamics and Emergent View of Metaphor Systematicity-Power point". In Charteris-Black, Jonathan (2004). *Corpus Approaches to Critical Metaphor Analysis*. New York: Palgrave Macmillan.
- Dirven, Roslyn Frank & Martin Pütz (eds.) (2003). *Cognitive Models in Language and Thought: Ideology, Metaphors and Meanings*. Berlin and New York: Mouton de Gruyter. PP. 353 - 393.

- Fairclough, Norman (1992). *Discourse and Social Change*. London: Polity.
- ----- (1995). *Critical Discourse Analysis*. London: Longman.
- ----- (2003). *Analyzing Discourse*. London: Routledge.
- Gee, James P. (1999). *An Introduction to Discourse Analysis: Theory and Method*. New York: Routledge.
- Gibbs, Raymond W. Jr. (1999). "Researching Metaphor". In Cameron Lynne & Graham Low (eds.). *Researching and Applying Metaphor*. Cambridge: CUP. PP. 29 - 47.
- Hardman, Dean (2008). *Political Ideologies and Identity in British Newspaper*. PH.D Thesis. University of Nottingham.
- Kitis, E. & M. Milapides (1997). "Read It and Believe It: How Metaphor Constructs Ideology in News Discourse: A Case-Study". *Journal of Pragmatics*. N. 28 (5). PP. 557 - 590.
- Koller, V. (2004). *Metaphor and Gender in Business Media Discourse: A Critical Cognitive Study*. New York: Palgrave.
- Kress, G. (1989). *Linguistic Processes in Sociocultural Practice*. Oxford University Press.
- Levinson, S. C. (1983). *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ricoeur, P. (1978). *The Rule of Metaphor: Multidisciplinary Studies in the Creation of Meaning*. Routledge.
- Rorty, R. (1989). *Contingency, Irony and Solidarity*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Steen, G. (2006). *Metaphor in Applied Linguistics: Four Cognitive Approaches*. D. L.T.A.
- Stubbs, M. (2001). *Text and Corpus Analysis*. Oxford: Basil Blackwell.
- Van Dijk, T. A. (ed.) (1985). *Handbook of Discourse Analysis*. 4 Vols. London: Academic Press.
- ----- (1993). *Elite Discourse and Racism*. Newbury Park, CA: Sage Publications, Inc.
- ----- (1995a). "Discourse Analysis as Ideology Analysis". In Wenden, A. and C. Schaffner (eds). *Language and Peace* (In Press).
- ----- (1995b). "Discourse Semantics and Ideology". In *Discourse & Society*. N. 6: 2. PP. 243 - 289.

- ----- (1998a). *Ideology: A Multidisciplinary Approach*. London: Sage Publications.
- ----- (1998b). “Opinions and Ideologies”. In *Approaches to Media Discourse*. Blackwell Publishers.
- ----- (2000). *Ideology and Discourse*. Retrieved from <<http://www.in-society.org/teun.html>>.
- ----- (2006). “Ideology and Discourse Analysis”. In *Journal of Political Ideologies*. N. 11 (2). PP. 115 - 140.
- ----- (2010). *Discourse, Knowledge, Power and Politics: Toward Critical Epistemic Discourse Analysis*. Universitat Pompeu Fabra.
- Walter, Helming (2005). “Metaphors as Agents of Signification”. <<http://eis.bris.ac.uk/potfc/Granada/papers/Helming.pdf>>.
- Wodak, Ruth (2001b). “The Discourse-Historical Approach”. In Wodak, R. & M. Meyer (Eds.). *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: Sage Publications.